



آل میکال

نماینی گوید : « سخن در مورد آل میکال ، تقدم خاندان آنها ، شرافت اصل آنها و پیش تازی آنها . در میدان مبارزات و بزرگواری گذشتگان آن ها و اطرافیان آن ها و اینکه بزرگواری را از اول تا به آخر جمع کرده اند و فضیلت قدیم و جدید را بدست آورده اند و آداب کهنه و نو را کسب کرده اند ، کتابها را پر می کنند ، و نیز می گوید :

« ... چه می پنداری در مورد مردمی که بختی (۱) ایشان را ستوده و دریدی (۲) آنان را خدمت کرده است و ابوبکر خوارزمی و دیگر سران سخن به رشته ملازمان ایشان در آمده اند . این گفتارها ارزش و اهمیت این خاندان را میرساند .

۱ - ابو عبادة وليد بن عبيد البختري شاعر معروف طابى (۲۰۴-۲۸۴) از نژاد عرب بود و از شعرايى است که در محيط ايراني تربيت شده و با ايرانيان معاشرت داشته و يا تحت تأثير تمدن ايراني قرار گرفته اند . بختري با اينکه ايراني نبوده قصيده معروف سنيهوى در مدح نژاد ايراني و تأسف بر خرابي مديان معروف است .

۲ - ابوبکر محمد بن دريد الازدى البصرى معروف به ابن دريد

(۲۲۳ - ۳۲۱) از علماء و مشاهير ادبى دوران خود بود .

آل میکان یا میکالیان اصل و نسبشان ایران و مسکن و موطنشان ناحیه سفد بوده است به روزگار خلافت عباسیان در آغاز سده سوم ه.ق. به بغداد رفته در خدمت عباسیان سمت‌هایی داشته‌اند و سپس به ایران بازگشته در عراق و خراسان به هنر و نژاد و رادی نامور گشته‌اند و تذکره نویسان و سخنوران نسب ایشان را به پادشاهان ساسانی رسانیده‌اند. (۱)

از دوران حکومت سامانیان تا زمان سلاجقه این طایفه جاه و جلالی داشته‌اند. نام درست این خاندان میکالیان است که به غلط به میکائیلیان مشهور شده است زیرا این خاندان نام خود را از نام جدشان گرفته‌اند که در تمام مآخذ و حتی در اشعار شعراى مداح میکال، آمده است. چنان که ابوبکر خوارزمی (۲) ادیب معروف که از مداحان ابونصر میکالی بوده گوید :

نجرذ یول الفخر حتی کانتا لغز تنافی آل میکال نفتمی

← وی نخستین کسی است که مقامه نویسی را در ادب عرب معمول کرد. آثار معروف این دانشمند عالیقدر کتاب : امجدة فی اللغة ، المقصورة و کتاب الاشتقاق است .

۳ - ابوبکر محمد بن عباسی خوارزمی از علمای معروف ادب و نویسندگان بنام این دوره بود در لغت و نحو و شعر و ادب عربی وحید عصر بشمار میرفت . اصلش از خوارزم و مادرش از طبرستان بوده است .

نخستین کسی از این خاندان که نامش در تاریخ آمده افشید پسر شارک (۱) است و آنچه که معلوم است اینکه در اواخر دوره ساسانی در سرزمین سند حکومت مستقلی داشته است. پس از او طرخان یا طرخون (۲) و جانشین وی غوزک است که پس از کشته شدن طرخون بدست سفدیان به حکومت سفد می رسد (۳).

جانشین غوزک دیواستی نام داشته است که تا سال ۱۰۳ و به قولی تا ۱۰۴ هـ حکومت این ناحیه را در دست داشت و در این سال در جنگ با اعراب نام او را دیواشیج هم نوشته اند. طبری در ضمن وقایع سال ۱۰۴ هـ در زمان حکمرانی سعید بن عمر و الحرثی از مردم شام در خراسان، در مورد کشته شدن دیواستی گوید: «سرش را به عراق و دست راستش را نزد سلیمان بن ابی اسری به تخارستان فرستادند».

دیواستی ظاهراً حکومت اعراب را قبول کرده خود را مسلمان قلمداد میکرد در این زمینه سند مهمی در دست است. این سند نامه ایست که به سال ۹۹ هـ دیواستی به جراح بن عبدالله حکمی حکمران خراسان نوشته است.

متن آن نشان میدهد که دیواستی خود را مسلمان وانمود می کرد و خود و پسرش را «مولای» جراح بن عبدالله به حساب می آورد. این نامه توسط آ. آ. فریمان مستشرق معروف شوروی در سال ۱۹۳۳ میلادی در کوه مغز در تاجیکستان پیدا شده است (۴).

۱- شاید شارک مصغر کلمه شوریاشار باشد که یکی از القاب شاهان مستقل شرق ایران در زمان ساسانی است.

۲- بلعمی در ترجمه تاریخ طبری نام وی را طبرخون نوشته است.

۳- ترجمه تاریخ طبری، نسخه محفوظ در آستان قدس رضوی ص ۳۷۰

۴- Sodduskw P . 55 - 55 ، نقل از ص ۱۳۲ احوال و اشعار

رودکی . سعید نفیسی .

در کتب فارسی و عربی نام دیواستی را به اشکال مختلف: «دیواشتی»، دیواشتیج، دیواشتی، دیواسی، دیواشتی، دیوشی، دیوستی، دیوسی و حتی زواشتی، رواشی، زواشی آمده است و در نامة پیدا شده در تاجیکستان بوضوح دیواستی آمده است.

ازباز ماندگان دیواستی اطلاع درستی در دست نیست چیزی که مسلم است اینکه در اواخر قرن سوم ه. ق سران این خاندان در بغداد در خدمت خلیفه بوده اند کمی توان گفت پس از کشته شدن دیواستی بدست اعراب سرزمین سغد را ترک کرده اند شاید بعنوان گروگان و شاید برای اینکه در پناه باشند خود به بغداد رفته اند.

از جمله کسانی که در تاریخ اسمی از آنها برده شده شاه بن میkal و برادرش محمد بن میkal است. شاه بن میkal از ممدوحان ابو عباده بحرتری شاعر توانای طایبی (۲۰۴ - ۲۸۴ ه) است که در ستایش وی اشعار فراوان دارد برخی از این اشعار جزء شاهکارهای او بحساب می آید. و محمد بن میkal جد خاندان میkالی خراسان و پدر عبدالله بن محمد است. محمد بن میkal از عمال و دست نشاندگان محمد بن طاهر بن عبدالله بن طاهر از سلسله طاهریان بوده است و در پایان زندگی خود از جانب محمد بن طاهر مأمور ری شد و در جنگ با «واجن» سردار حسن بن زید که از مردم لار بود، کشته شد (سال ۲۵۰ ه) (۱)

از اصل و نسب این خاندان یا قوت در معجم الادبا چنین آورده است:

«میkal بن عبدالواحد بن جبرئیل بن القاسم بکر بن دیواستی و هوسور بن سوزین سوزین سوز اربعة الملوك بن فیروز بن یزدجرد بن بهرام جور» (۲)

۱ - ابن اثیر تاریخ الکامل، حوادث سال ۲۵۰ ه

۲ - معجم الادبایه، یا قوت، ج ۱۸، ص ۱۳۷ = ونیر نگاه کنید

به تاریخ بیهق، ابوالحسن بیهقی، چاپ تهران ص ۱۱۷

وسیده محمد مرتضی حسینی واسطی زبیدی حنفی در کتاب تاج العروس میکال بن عبدالواحد بن حرمکه (۱) بن القاسم بن بکر بن دیوانشی وهوشور الملکه بن شور بن شور بن شور اربعة من الملوك ... ابن فیروز بن یزدجرد بن بهرام، نوشته است . (۲)

همان طوری که قبلا نیز اشاره شد محمد بن میکال جد میکالیان خراسان است و پسرش عبدالله به سال ۲۶۷ ه. ق. وکیل عمر ولیک سفاری در سیستان بود پس از آن وزیر سبکری که از کارگزاران معروف عمر و عامل وی در سیستان بوده شد در سال ۲۹۸ ه. ق. که سبکری از جانب مقتدر خلیفه عباسی عامل فارس و کرمان و سیستان شد عبدالله نیز به همراه وی به فارس آمد (۳) و تا سال ۳۰۸ ه. از جانب خلیفه عامل اهواز و فارس بود . ابن درید اشعر العلماء و اعلم الشعرا دستگاه وی بود و باین دستگاه خدمت می کرد و بدستور عبدالله دیوان فارس را اداره مینمود و از جانب او مأمور تربیت پسرش ابوالعباس اسماعیل شد . ابن درید این پیشنهاد مأموریت را پذیرفت و به فریختن او پرداخت . ابن درید معروفترین قصیده خود « مقصوده » (۴) را که نیز از منظومات معروف زبان عربی است برای عبدالله بن محمد و پسرش ابوالعباس به نظم کشیده است و در آن ایشان را ستوده است و معروفترین کتاب خود « الجمهرة فی اللغة » را نیز به نام همین ابوالعباس اسماعیل تألیف کرده است .

ابوالعباس اسماعیل رئیس مؤسس سلسله میکالی خراسان است . او از مردان نامی زمان ، مردی محترم و دانشمند و محدث بود و مردی بود که در ادب و سواری پیشوا بود ، پس از مرگ پدرش خلیفه خواست که او را در همان کارهایی که پدرش داشت جانشین کند وی نپذیرفت و گفت : « مراد خراسان

۱- حرمک باید همان خرمکه باشد .

۲ - تاج العروس ، ماده مکل ، کلمه میکال

۳ - تاریخ ، ص ۲۳۷

۴ - چون قافیه این قصیده الف مقصوده است به نام « مقصوده » ابن درید

معروف و شهرت یافته است .

معاشی هست بدان باز میگردد، پس به نیشابور بوطن اصلی خود باز آمد و در هرات به خدمت امیر سامانیان رسید و مورد توجه قرار گرفته و در دربار سامانیان در دوران حکومت عبدالملک بن نوح و زمان وزارت ابو جعفر احمد بن حسین عتبی به امسار همین وزیر اداره دیوان رسایل را بر عهده گرفت و مدت ۱۵ سال این مقام را داشت. ابوالعباس به سال ۳۶۲ هـ به سن ۹۲ سالگی در نیشابور دارفانی را وداع گفت و در همان شهر مدفون گشت و چنان می نماید که اواخر عمر از خدمت دیوان برکنار بوده است. پسر بزرگ ابوالعباس: رئیس ابو-محمد عبدالله نام داشت لقب «رئیس» بدان جهت به اکثر افراد این خاندان اطلاق میشده است که ریاست و معاونت حکومت شهر نیشابور را بر عهده داشتند.

ابو محمد نیز مانند پدرش در نویسندگی و سخنوری پایگاهی بس بلند داشت فقدا از قاضی الحرمین ابوالحسین و دیگران فرا گرفت. محدث بود و در نیشابور، ری، دامغان، همدان و بغداد، کوفه و مکه حدیث گفت. مردی نیکو کار و خیر اندیش بود. مینویسند در خانه اش همیشه به روی مراجعین باز بود و پنهانی مستمندان شهر را روزی می داد. مثالی در مورد وی گفته: «سه هزار بیت شعر از پیشینیان و محدثان از بر داشته است (۱) و نمونه هایی از شعر و نثر این مرد ادیب را در همان کتاب میتوان دید. ثعالبی تنها کسی نیست که دانش و بینش او را ستوده باشد، ادب و تبحر او حتی تا پنجاه سال بعد از مرگش یعنی تا زمان بیهقی بر سر زبانها بوده است.

رئیس ابو محمد سال ۳۶۴ هـ از قبول دیوان رسایل خودداری کرد و ی چندین بار پیشنهاد وزارت را امضاء و بالاخره در سال ۳۶۶ هـ ریاست را پذیرفت و مدت بیشتر از بیست سال بلا مانع و بدون منازعی کار کرد و در خراسان کسی از او گله نکر دوزیان ندید. ابو محمد به سال ۳۷۹ هـ در موسم حج در مکه معظه در گذشت و در همانجا مدفون شد تنها پسر وی، ابو جعفر محمد بن عبدالله میکال است که در روایات بنامهای: ابو جعفر محمد ابو جعفر میکالی رئیس ابو جعفر و امیر جعفر نوشته اند. او نیز مانند پدر و جدش از مشاهیر زمان خود بوده و از رجال معروف در بار غزنوی و در مقامه نویسی و شعر و لغت و فقه پایگاهی داشته است.

(ناتمام)